

بررسی تطبیقی جرم قتل در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی

علیرضا حسائی^۱

کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

چکیده

یکی از مسائل مهمی که شارع مقدس به آن تاکید داشته است، مسئله حیات انسان می‌باشد و به همین منظور برای مجازات فردی که از دیگران سلب حیات می‌کند، قصاص در نظر گرفته شده است. فقهاء نیز در کتاب‌های خود به این مسئله پرداخته‌اند و البته در برخی مصادیق آن مانند قتل عمد اختلاف نظرهایی وجود دارد. در قانون مجازات اسلامی اگرچه که تعریفی از قتل ارائه نشده است، ولی به تبعیت از آراء فقهی مشهور به مسئله‌ی قتل توجه نموده و به طور مفصل به تبیین جرم قتل و مجازات‌های مرتبط به آن پرداخته است. در این تحقیق به بررسی و تبیین جرم قتل در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ پرداخته شده است و به وجوه تشابه، تفاوت، نقایص و نقاط قوت قانون مجازات اسلامی با آراء فقهاء توجه شده است.

واژگان کلیدی: سلب حیات، کیفر قتل، شرایط مجازات قتل، فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی

^۱ نویسنده مسئول: alirezahesaie.ac@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۹

مسئله حیات انسان از مهمترین مسائلی است که شارع مقدس به آن توجه و تاکید داشته است و به همین منظور برای مجازات فردی که با عمل مجرمانه خود باعث ورود جنایت و سلب حیات از دیگران می‌شود مجازات سختگیرانه‌ای در نظر گرفته است و این مجازات را مایه‌ی حیات تداوم زندگی بشری معرفی می‌کند و لکم فی الْقِصَاصِ حیات یا اولی الالباب لعلکم تَتَّقُونَ (بقره، ۱۷۹) در حقیقت برای جلوگیری از این عمل ناروا باید مجازات سخت و پیشگیرانه‌ای وجود داشته باشد. مرحوم علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیه‌ی مذکور اینگونه بیان کرده است: لَكِنَّ الْمَصْلَحَةَ الْعَامَّةَ قَائِمَةً بِالْقِصَاصِ فَإِنَّ الْحَيَوَةَ لَا يَضْمَنُهَا إِلَّا الْقِصَاصَ ذُونَ الْعَفْوِ وَاللَّيْئَةِ وَلَا كُلُّ شَيْءٍ مِمَّا عَدَاهُمَا، يُحَكِّمُ بِذَلِكَ الْإِنْسَانَ إِذَا كَانَ ذَا لُبٍّ وَقَوْلُهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، أَيِ الْقَتْلِ وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ التَّغْلِيلِ لِتَشْرِيعِ الْقِصَاصِ. (طباطبائی، ۱۳۹۳، ص ۴۳۳) به همین منظور به موضوع قتل در شریعت اسلام توجهی خاص شده است. مرحوم فاضل مقداد (ره) بیان کرده است که تعداد ده آیه از مجموع آیات قرآن کریم به موضوع قتل و احکام مرتبط با آن اختصاص یافته است (سیوری حلی، ۱۴۲۲، ص ۳۵۳). با اندکی مطالعه و تدقیق در متون اسلامی و تاریخی می‌توان این نتیجه را گرفت که جرم قتل از ابتدائی‌ترین جرائمی بوده است که انسان مرتکب شده است و با جرأت می‌توان گفت که تقریباً قدمتی برابر با عمر تاریخ بشریت دارد مدعای این مطلب را می‌توان در قرآن کریم و پرسش ملائکه از خداوند به هنگام خلقت حضرت آدم مطرح نمود که در آیه ۳۰ سوره بقره بیان شده است وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ یا می‌توان به آیات ۲۷ الی ۳۱ سوره مائده و ماجرای فرزندان حضرت آدم (ع) اشاره نمود فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مائده، ۳۰) و در میان متون تاریخی نیز می‌توان به جنگ‌ها و کشتار افراد بی گناه از قبل تاکنون اشاره کرد. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ اگرچه که تعریفی جامع از جرم قتل مطرح نشده است ولی در مواد متعدد ضمن بیان انواع مختلف این جرم ناروا مجازات‌های آن نیز بیان شده است که می‌توان به اهمیت موضوع پی برد. پژوهش حاضر با استناد به متون و آثار فقهی و در قالب پژوهشی کتابخانه‌ای، نظرات و آراء فقهاء را با قانون مجازات اسلامی تطبیف نموده و وجه افتراق و اشتراک آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

الف) مفهوم شناسی

واژه‌ی قتل در لغت به معنای ازاله‌ی روح از بدن می‌باشد أَصْلُ الْقَتْلِ أِزَالَةُ الرُّوحِ عَنِ الْجَسَدِ كَالْمَوْتِ لَكِنْ إِذَا اعْتَبَرَ بِفِعْلِ الْمُتَوَلَّى لِذَلِكَ يُقَالُ قُتِلَ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۵۵) وی در تعریف خود خروج روح از بدن توسط فرد دیگری را قتل معرفی می‌کند که با توجه به این تعریف ۲ مطلب را می‌توان استخراج و استنباط نمود. اول اینکه هر نوع خروج روح از بدن به معنای قتل در معنای خاص نمی‌باشد و دوم اینکه اگر این خروج روح بواسطه شخص صورت بگیرد قتل می‌باشد. اما فقهاء در بیان تعریف قتل در معنای خاص نظرات و تعاریف مختلفی ارائه کرده اند شهید اول (ره) خارج کردن روح از بدن فرد بی‌گناه و معصوم را از روی عمد موجب قصاص نفس می‌داند که منظور وی از نفس معصومه همان جان آدمی می‌باشد و موجبه ازهاق النفس المعصومه المكافئه عمدًا عُذْوَانًا (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷) و صاحب جواهر (ره) نیز همانند تعریف شهید اول (ره) را بیان می‌کند: ازهاق النفس المعصومه و اخراجها من التعلق بالبدن المكافئه عمدًا عدوانًا (نجفی، ۱۴۲۵، ص ۱۱) با اندکی تامل و تدقیق در تعاریف فقهاء می‌توان این نتیجه را گرفت که تعاریف ارائه شده، صرفاً مرتبط به قتل عمدی موجب قصاص بوده است و در معنا و مفهوم کلی قتل تعریفی ارائه نشده است علی‌رغم اینکه در تعریف مذکور نیز اتفاق و اجماع فقهی وجود دارد. شهید ثانی (ره) در تشریح واژگان معصومه و مکافئه چنین بیان کرده است: وَ الْمُرَادُ بِالْمَعْصُومَةِ الَّتِي لَا يَجُوزُ اتِّلَافُهَا مِنَ الْعِصْمِ وَ هُوَ الْمَنْعُ وَ الْمُرَادُ بِالْمَكَافِئَةِ الْمَسَاوِيهِ لِنَفْسِ الْمَزْهُوقِ لَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ الْحَرِيهِ وَ غَيْرِهِمَا مِنَ الْإِعْتِبَارَاتِ (عاملی جبعی، ۱۴۲۵، ص ۶۶) با توجه به این تعریف و سایر تعاریف دیگر، کسی که شرعاً مستحق کشته شدن باشد معصوم نیست و کسی است که ریختن خون او مباح باشد اصطلاحاً مهدور الدم نامیده می‌شود بنابراین می‌توان این نتیجه را استنباط

نمود که نفس معصوم می‌تواند مطلقاً معصوم یا مطلقاً غیر معصوم باشد و یا می‌تواند از جهتی معصوم و از جهتی غیر معصوم باشد که شهید ثانی (ره) به این موضوع نیز اشاره کرده است: وَ يُمْكِنُ إِخْرَاجُهُ بِقَيْدِ الْمَعْصُومِ، فَإِنَّ غَيْرَ الْمَعْصُومِ أَعْمٌ مِنْ كَوْنِهِ بِالْأَصْلِ كَالْحَرَبِيِّ، وَالْعَارِضِ كَالْقَاتِلِ عَلَى وَجْهِهُ يُوجِبُ الْقِصَاصَ. وَ لَكِنَّهُ أَرَادَ بِالْمَعْصُومِ مَا لَا يَبَاحُ إِزْهَاقُهَا لِلْكَلِّ، وَ بِالْعَدْوَانِ إِخْرَاجَ مَا يَبَاحُ قَتْلُهُ بِالنَّسْبَةِ إِلَى شَخْصٍ دُونَ آخَرَ، فَإِنَّ الْقَاتِلَ مَعْصُومٌ بِالنَّسْبَةِ إِلَى غَيْرِ وَلِيِّ الْقِصَاصِ (عاملی جبعی، ۱۴۲۵، ص ۶۶)

ب) انواع قتل

۱-ب) قتل عمد

یکی از انواع مهم قتل که در مورد آن نیز مطالب و نظرات بیشتری در آراء فقهاء وجود دارد قتل عمد می‌باشد که علاوه بر مجازات شرعی، از اعظم گناهان کبیره نیز محسوب می‌شود در اینخصوص خداوند متعال در آیه ۹۳ سوره نساء فرموده است: وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا. برای تحقق قتل عمد فقهاء موارد مختلفی را بیان نموده اند مرحوم شهید اول (ره) در کتاب خود بیان کرده است: وَ الْعَمْدُ يَحْصُلُ بِقَصْدِ الْبَالِغِ إِلَى الْقَتْلِ بِمَا يَقْتُلُ غَالِبًا وَ قِيلَ نَادِرًا (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷) بر مبنای این تعریف آنچه باعث تحقق قتل عمد می‌شود قصد و بلوغ و وسیله قتل می‌باشد که در نوع و وسیله قتل اختلاف وجود دارد. علامه حلی (ره) نیز در کتاب تحریر الاحکام بیان نموده است: فَالْعَمْدُ يَحْصُلُ بِقَصْدِ الْبَالِغِ الْعَاقِلِ إِلَى الْقَتْلِ بِمَا يَقْتُلُ غَالِبًا وَ نَادِرًا (مطهر حلی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۰) صاحب جواهر (ره) نیز بیان می‌کند: وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ فَلَا اشْكَالَ وَ لَا خِلَافَ فِي أَنَّهُ يَتَحَقَّقُ الْعَمْدُ بِقَصْدِ الْبَالِغِ الْعَاقِلِ إِلَى الْقَتْلِ ظُلْمًا بِمَا يَقْتُلُ غَالِبًا بَلْ وَ يَقْصِدُ الضَّرْبَ بِمَا يَقْتُلُ غَالِبًا عَالِمًا بِهِ وَ أَنَّ لَهُمْ يَقْصِدُ الْقَتْلَ لَأَنَّ الْقَصْدَ إِلَى الْفِعْلِ الْمَرْبُورِ كَالْمَقْصِدِ إِلَى الْقَتْلِ (نجفی، ۱۴۲۵، ص ۱۲) با توجه به تعاریف مذکور و مذاقه در سایر اقوال فقهاء ملاک در تحقق قتل عمد بلوغ و قصد و وسیله قتل می‌باشد بنابراین اگر قاتل عمداً یعنی با قصد و اراده برای کشتن توأم با وسیله ای کشنده یا با هر وسیله ای که با دیدن و یا شنیدن اسم آن خطر داشتن و کشنده بودن به ذهن متبادر شود و یا عرفاً آن وسیله خطرناک و ممنوعه باشد اقدام به قتل شخص بکند، قتل عمد محسوب می‌شود که به آن قتل عمد محض نیز گفته شده است. مرحوم صاحب جواهر (ره) عامل قصد را به عنوان عنصر اصلی در تحقق قتل عمد می‌داند و ضمن بیان حدیثی از امام صادق (ع) آنرا کافی برای تحقق قتل عمد دانسته است عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلْتَنَاهُ عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا بَعْضًا فَلَمْ يَرْفَعْ عَنْهُ الضَّرْبَ حَتَّى مَاتَ أَيَدْفَعُ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِنْ لَا يَتْرُكُ يَعْثَبُ بِهِ وَلَكِنْ يَجْهَزُ عَلَيْهِ بِالسَّيْفِ وَنَحْوِهِ خَبَرَ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ وَخَبَرَ مُوسَى بْنَ بَكِيرٍ وَغَيْرَهُمَا مِنَ النُّصُوصِ الشَّامِلَةِ بِإِطْلَاقِهَا لِمَنْ قَصَدَ الْقَتْلَ بِالْمَقْرُوضِ الَّذِي هُوَ مِمَّا يَقْتُلُ مِثْلَهُ غَالِبًا وَعَدَمَهُ وَلَكِنْ قَصَدَ الْفِعْلَ بَلْ يَكْفِي قَصْدُ مَا سَبَّبَتْهُ مَعْلُومَةٌ عَادَةٌ وَإِنْ ادَّعَى الْفَاعِلُ الْجَهْلَ بِهِ إِذْ لَوْ سَمِعَتْ دَعْوَاهُ بَطَلَتْ أَكْثَرُ الدَّمَاءِ، كَمَا هُوَ وَاضِحٌ (نجفی، ۱۴۲۵، ص ۱۲)

۱-۱-ب) مصادیق قتل عمد در فقه امامیه

در آثار و اقوال فقهاء درخصوص قتل عمد مصادیقی بیان شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود؛ مرحوم شهید اول (ره) در کتاب لمعه دمشقیه می‌نویسد: وَ إِنْ اتَّفَقَ الْمَوْتُ كَالضَّرْبِ بِالْعُودِ الْخَفِيفِ أَوْ الْعَصَا، أَمَا لَوْ كَرَّرَ ضَرْبَهُ بِمَا لَا يُحْتَمَلُ مِثْلُهُ بِالنَّسْبَةِ إِلَى بَدَنِهِ وَ زَمَانِهِ فَهُوَ عَمْدٌ، وَ كَذَا لَوْ ضَرَبَهُ دُونَ ذَلِكَ فَأَعْقَبَهُ مَرَضًا وَ مَاتَ أَوْ رَمَاهُ بِسَهْمٍ أَوْ بِحَجَرٍ غَامِزٍ أَوْ خَنْقَةً بِحِجْلٍ وَ لَمْ يَرُخْ عَنْهُ حَتَّى مَاتَ أَوْ بَقِيَ ضَمِيمًا وَ مَاتَ أَوْ طَرَحَهُ فِي النَّارِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ قُدْرَتَهُ عَلَى الْخُرُوجِ أَوْ فِي اللَّجَّةِ أَوْ جَرَحَهُ عَمْدًا فَسَرَى وَ مَاتَ أَوْ أَلْفَى نَفْسَهُ مِنْ غُلُوِّ عَلَى إِنْسَانٍ أَوْ أَلْقَاهُ مِنْ مَكَانٍ شَاهِقٍ أَوْ قَدَّمَ إِلَيْهِ طَعَامًا مَسْنُومًا وَ لَمْ يَعْلَمْهُ أَوْ جَعَلَهُ فِي مَنْزِلِهِ وَ لَمْ يُعْلَمْهُ أَوْ حَفَرَ بُئْرًا بَعِيدَةً فِي طَرِيقٍ وَ دَعَا غَيْرَهُ مَعَ جَهَالَتِهِ فَوَقَعَ فَمَاتَ أَوْ أَلْقَاهُ فِي الْبَحْرِ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ إِذَا قَصَدَ الْبِقَامَ الْحُوتِ وَ إِنْ لَمْ يَقْصِدْ عَلَى قَوْلٍ أَوْ أَعْرَى بِهِ كَلْبًا عَقُورًا فَقَتَلَهُ وَ لَا يُمَكِّنُهُ التَّخَلُّصُ أَوْ أَلْقَاهُ إِلَى أَسَدٍ بِحَيْثُ لَا يُمَكِّنُهُ الْفِرَارُ أَوْ أَنَهَشَهُ حَيْثُ

قَاتِلَةٌ أَوْ طَرَحَهَا عَلَيْهِ فَنَهَشْتُهُ أَوْ دَفَعَهُ فِي بئرٍ حَفَرَهَا الْغَيْرُ عَالِمًا بِالْبئرِ (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷) مرحوم محقق حلی (ره) نیز در اینخصوص گفته است: لَوِ الْقِي نَفْسُهُ مِنْ غُلُوٍّ عَلَى انْصَانٍ عَمْدًا وَ كَانَ الْوُقُوعُ مِمَّا يَقْتُلُ غَالِبًا فَهَلْكَ الْأَسْفَلُ فَعَلَى الْوَأَقِعِ الْقَوَدَ (محقق حلی، ۱۴۰۸، ص ۹۷۳) اگرچه که کاملترین مصداق را در قتل عمد مرحوم شهید اول (ره) معرفی می‌کند و سایر فقها صرفاً به برخی از همین موارد اشاره می‌کنند اما هیچگونه اختلافی در تشخیص قتل عمد براساس مصادیق نام برده شده مشاهده نمی‌شود و تقریباً اتفاق نظر در بین فقهاء امامیه وجود دارد.

۲-۱-ب) قتل عمد و مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی

ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی به موضوع قتل عمد اختصاص یافته است در این ماده آمده است: جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را داشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. پ- هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن درخصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد. ت- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند. تبصره ۱- در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود. تبصره ۲- در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود. که با توجه به ماده مذکور برای تحقق قتل عمد حالات زیر قابل تصور می‌باشد ۱- قصد قتل بدون توجه به نوع فعل ۲- قصد قتل وجود ندارد اما قصد انجام فعل کشنده را دارد که در این حالت فرض بر این است که قاتل عالم به نوع عمل ارتكابی خود بوده است ۳- فقدان قصد قتل و کشنده نبودن عرفی عمل که صرفاً نسبت به برخی افراد کشنده می‌باشد که در این مورد فرض بر عالم بودن قاتل به وضعیت خاص مقتول می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی مصادیق دیگر قتل عمد اینگونه بیان شده است: قانونگذار در ماده ۲۹۵ قانون مذکور ترک فعل را یکی از موارد قتل عمد در صورت سببیت در قتل معرفی می‌کند و گفته است: هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند. و برای معرفی، مصداق آن را نیز در انتهای ماده بیان می‌کند. همچنین در ماده ۲۹۶ فوت ناشی از سرایت جنایت عضو را بعنوان مصداقی دیگر از قتل عمد معرفی می‌کند و بیان کرده است: اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود. و نیز در مواد ۲۹۷ الی ۳۰۰ قانون موصوف تفصیلاً به موارد دیگری اشاره می‌کند که به همین مقدار بسنده می‌شود اما آنچه که از

مجموع این مواد می‌توان استخراج نمود این است که نظر قانونگذار با آراء فقہی کاملاً یکسان می‌باشد و اختلافی در اینخصوص وجود ندارد.

۲-ب) قتل غیر عمد (شبه عمدی)

از دیگر انواع قتل، قتل شبه عمدی می‌باشد مرحوم محقق حلی (ره) در اینخصوص بیان می‌کند: وَ شَبِيهَ الْعَمْدِ أَنْ يَكُونَ غَامِداً فِي فِعْلِهِ مُخْطِئاً فِي قَصْدِهِ (محقق حلی، ۱۴۰۸، ص ۱۰۱۶) به نظر وی خطای در قصد نتیجه، موجب تحقق این نوع قتل می‌شود به عبارتی دیگر مرتکب قصد فعل را داشته است ولی قصد نتیجه را نداشته است. مرحوم علامه حلی (ره) نیز درخصوص این نوع قتل بیان داشته است: وَ أَمَّا شَبِيهَ الْعَمْدِ فَإِنَّ يَقْصِدُ إِلَى فِعْلٍ يَحْصُلُ مَعَهُ الْمَوْتُ مِنْ غَيْرِ قَصْدٍ إِلَى الْمَوْتِ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْفِعْلُ مُؤَدِّياً إِلَيْهِ غَالِباً (مطهر حلی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۰) ابن ادریس حلی (ره) نیز در اینخصوص گفته است: عَمْدٌ الْخَطَأُ، أَوْ شَبِيهَ الْعَمْدِ، وَ الْمَعْنَى وَاحِدٌ، وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ غَامِداً فِي فِعْلِهِ، مُخْطِئاً فِي قَصْدِهِ فَاَمَّا غَامِداً فِي فِعْلِهِ، فَهُوَ أَنْ يُعْمَدَ إِلَى ضَرْبِهِ بِأَلَةٍ لَا تَقْتُلُ غَالِباً كَالسُّوْطِ، وَ الْعَصِيَّ الْخَفِيفَةَ وَ الْخَطَأَ فِي الْقَصْدِ، أَنْ يَكُونَ قَصْدُهُ تَأْدِيبَهُ وَ زَجْرَهُ وَ تَغْلِيمَهُ، لَكِنَّهُ مَاتَ مِنْهُ، فَهُوَ غَامِداً فِي فِعْلِهِ مَخْطِئاً فِي قَصْدِهِ (ابن ادریس حلی، ۱۴۳۰، ص ۳۲۲) وی تعریف جامع و کاملی از قتل شبه عمد ارائه می‌کند و سپس به تحلیل عمد در فعل و خطاء در قصد پرداخته و مصادیقی را بیان می‌کند و در نتیجه قتل شبه عمد را عمد در فعل و خطاء در قصد نتیجه تعریف می‌کند. از مجموع نظرات فقهاء می‌توان اینگونه برداشت نمود که قتل شبه عمد قتلی است که در آن اراده و خواست قلبی مرتکب برای انجام فعل موجود است اما میل و قصد جنایت بر مجنی علیه را نداشته است و در عین حال فعل و یا وسیله ای ارتکاب، کشنده نیست و جنایت در نتیجه خطای مرتکب اتفاق افتاده است بنابراین ارکان قتل شبه عمد عبارتند از: فعل ارتكابی مرتکب توأم با میل و آگاهی باشد و عمل ارتكابی و یا وسیله جرم کشنده نباشد و قصد حصول نتیجه جنایت را نداشته باشد و جنایت واقع شده ناشی از خطا بوده و عرفاً غیرقابل پیش بینی نباشد. در فقه امامیه برای قتل شبه عمد حالت بینابینی بین عمد و خطای محض دارد به همین جهت به قتل خطای محض قتل شبه نیز گفته می‌شود زیرا از جهت قصد فعل شبهه عمد است و از جهت عدم قصد وقوع جنایت شبهه خطای محض است (حاتمی، وهمکاران، ۱۳۹۹)

۱-۲-ب) قتل شبه عمد و مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی

ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی به قتل شبه عمد اشاره می‌کند و قانونگذار در این ماده بیان داشته است: جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود: الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد. ب- هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد. پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد. با توجه به ماده مذکور برای تحقق قتل شبه عمد این موارد قابل تصور می‌باشد ۱- فقدان قصد نتیجه و خروج از شمول تعریف جنایات عمدی به عبارت دیگر اگر مرتکب قصد انجام فعل را داشته است ولی قصد ایراد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد و این قصد مشروط به این است که آگاه و متوجه نباشد که عمل ارتكابی باعث جنایت شود به عنوان مثال اگر مرتکب در حین زدن سیلی به صورت مجنی علیه از ورود جنایت در اثر سیلی زدن به او آگاه و مطلع نباشد جنایت شبهه عمدی به حساب می‌آید. ۲- وجود جهل موضوعی که دومصدق برای آن قانونگذار مطرح می‌کند مصداق اول در مورد شیء یا حیوان و مصداق دوم افراد موضوع ماده ۳۰۲ همین قانون و درخصوص مصداق اول که بسیار واضح و روشن است هرگاه شخصی قصد فعل نسبت به شیء یا حیوانی را داشته باشد و قصد خود را هم عملی کند اما نتیجه آن مشخص شود که موضوع عمل انجام شده شیء یا حیوان نبوده بلکه انسان بوده

است که بدلیل فقدان قصد جنایت در زمره جنایات شبه عمدی قرار می‌گیرد اما در خصوص مصداق دوّم یعنی افراد مشمول ماده ۳۰۲، که طبق مفاد ماده ی مذکور دو دسته از افراد مهدورالدم شناخته می‌شوند که به موجب آن اگر مجنی علیه دارای یکی از حالات مطروحه باشد مرتکب به قصاص و دیه محکوم نخواهد شد. دسته ی اوّل از این افراد مهدورالدم عام هستند یعنی نسبت به همه افراد مهدورالدم محسوب می‌شوند که عبارتند از: ۱- مرتکب جرم حدی که مجازات آن سلب حیات است مانند زناکار (محصن یا محصنه) الف- متجاوزی که تجاوز او قریب الوقوع باشد ب- مرتکب جرم حدی که مجازات وی قطع عضو باشد مشروط به اینکه جنایت وارد شده بر او بیشتر از مجازات قطع عضو او نباشد. و دسته دوّم از افراد ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی، کسانی هستند که نسبت به افراد خاص مهدورالدم و نسبت به بقیه افراد مهدورالدم به حساب نمی‌آیند که شامل الف- زن زناکار شوهردار و مردی که با او زنا می‌کند این افراد نسبت به شوهر زن مهدورالدم محسوب می‌شوند و با شرایطی خون آنان نسبت به شوهر هدر خواهد بود. ب- افرادی که مستحق قصاص هستند که نسبت به ولی دم مجنی علیه مهدورالدم محسوب می‌شوند با این توصیف که فردی مرتکب جنایت علیه فرد دیگری شود با این تصور که مجنی علیه یکی از افراد مشمول ماده ۳۰۲ می‌باشد ولی بعد از جنایت مشخص شود که دچار اشتباه شده است و آنرا به اثبات برساند بنابراین بدلیل اشتباه موضوعی این جنایت در شمار جنایات شبه عمد قرار می‌گیرد ۳- وجود تقصیر که به عنوان عنصری معنوی در جنایات شبه عمد به حساب آمده است نکته قابل توجه این است عملی که بدلیل متوجه نبودن به شخص خاص ذاتا و علی الاصول خطای محض می‌باشد در حکم شبه عمد محسوب می‌شود و هدف ایجاد مسئولیت برای مرتکب می‌باشد (مومنی، ۱۳۹۴) با توجه به مواد قانونی در خصوص قتل شبه عمد با قاطعیت میتوان گفت این نوع قتل نیز با موارد مطروحه در فقه کاملا مطابقت دارد و تفاوتی بین قانون و فقه مشاهده نمیشود.

۳- ب) قتل خطای محض

از دیگر موارد انواع قتل، قتل خطای محض می‌باشد که در آن برخلاف دو عنوان دیگر (عمد و شبه عمد) فرد قصد فعل و قصد نتیجه را ندارد بلکه به طور اشتباهی و از روی خطا صورت می‌گیرد صاحب جواهر(ره) در تعریف این نوع قتل بیان کرده است: وَ أَمَّا ضَائِبُ الْخَطَا الْمَحْضِ الْمُعْتَبَرِ عَنْهُ فِي النُّصُوصِ بِالْخَطَا الَّذِي لَا شُبُهَةَ فِيهِ هُوَ أَنْ يَكُونَ مُخْطِئًا فِيهِمَا أَيَّ الْفِعْلِ وَالْقَصْدِ، كَالْمِثَالِ الَّذِي سَمِعْتَهُ الَّذِي لَمْ يَقْصِدْ بِهِ رَمَى الْإِنْسَانَ وَكَمَا قَتَلَهُ، سَوَاءً كَانَ بِمَا يَقْتُلُ غَالِبًا أَوْ لَا. (نجفی، ۱۴۲۵، ص ۴) در این تعریف وی می‌گوید مقصود شخص در زدن تیر و در زدن (کشتن) انسان نبوده است زیرا اگر قصد داشته باشد قتل عمد محسوب می‌شود از جهتی دیگر می‌توان این نتیجه را گرفت که در قتل خطای محض مقصود اصلاً منظور نمی‌باشد و شخص مقتول هم اصلاً هدف او نبوده است بلکه به صورت اتفاقی مورد هدف قرار می‌گیرد و در نتیجه به قتل می‌رسد. از مصادیق این نوع قتل می‌توان به قتل توسط صغیر یا مجنون و اعتقاد به مهدورالدم فرد مقتول و اثبات خلاف آن و موردی که شخص تیری را به قصد شکار حیوانی رها می‌کند اما به انسان برخورد می‌کند و باعث قتل او می‌شود نام برد مرحوم صاحب جواهر(ره) در مورد مصادیق مذکور اینگونه بیان می‌کند. وَيُلْحَقُ بِهِ تَعَمُّدُ الطِّفْلِ وَالْمَجْنُونِ شَرْعًا كَمَا يُلْحَقُ بِشِبُهَةِ الْعَمْدِ قَصْدُ الْفِعْلِ وَالْقَتْلُ لِمَنْ ظَنَّهُ مُسْتَحِقًّا لِذَلِكَ بِكُفْرٍ أَوْ قِصَاصٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُفَهُ، بَلْ وَمِنْ ظَنِّهِ صَيِّدًا مُبَاحًا قَبْلَ أَنْ يَنْكَلِفَ لِإِدْرَاجِهِمَا بِأَنَّهُ قَصْدُ الْفِعْلِ وَأَخْطَأَ فِي قَصْدِ الْقَتْلِ الْمَخْصُوصِ. (نجفی، ۱۴۲۵، ص ۴)

۳-۲) قتل خطاء محض و مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جنایت خطای محض به صورت نه چندان صریح و در بند پ ماده ۲۹۲ تعریف شده است در این ماده آمده است: جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد. پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید. تبصره- در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود. براساس ماده مذکور در بند الف آن رفتار مجرمانه (قتل) توسط مرتکب در حالت خواب، بیهوشی و مستی و مانند آنها خطای محض محسوب می‌شود البته مشروط به اینکه بدون هیچ قصدی این جنایت انجام بگیرد به عبارتی دیگر اگر بداند و توجه داشته باشد که در خواب و بیهوشی جنایتی را بر دیگری وارد می‌کند و از آن جلوگیری نکند دیگر مشمول قتل خطای محض نخواهد بود در بند ب ماده فوق الذکر عدم بلوغ جنسی و فکری باعث می‌شود که قصد و اراده شخص کلاً قصد فرض شود بنابراین عمل ارتكابی توسط آنان را مشمول خطای محض بدانیم درحقیقت بندهای الف و ب ماده مذکور مصادیق قتل خطای محض می‌باشد و به عنوان قاعده و ضابطه نمی‌توان آنها را در نظر گرفت اما بند ب ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی تعریف واقعی از این نوع قتل را بیان می‌کند. با اندکی تفاوت و مسامحه می‌توان این نتیجه را گرفت که درخصوص قتل خطای محض قانون با آراء فقهاء مطابقت داشته و به تبعیت از آثار و آراء فقهاء قانونگذاری شده است.

پ) ارکان تشکیل دهنده جرم قتل

همانطور که بیان گردید براساس آثار و متون فقهی سه عنصر قصد، بلوغ و نوع وسیله قتل نقشی اساسی در تحقق هر کدام از انواع قتل دارند و باعث تفکیک آنها از یکدیگر میشود به عنوان مثال شهید اول (ره) درخصوص وسیله غیرکشنده گفته است: وَ إِذَا لَمْ يَقْصِدِ الْقَتْلَ بِالنَّادِرِ فَلَا قُودَ وَ إِنْ اتَّفَقَ الْمَوْتُ كَالضَّرْبِ بِالْعُودِ الْخَفِيفِ أَوْ الْعَصَا (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷) که در این عبارت ۲ عنصر فقدان قصد و نوع وسیله جنایت عامل اصلی منتفی شدن قصاص می‌باشد و یا ابن ادریس حلی (ره) انواع وسیله قتل از نوع کشنده را چنین بیان می‌کند: بِالْهَيْبَةِ تَقْتُلُ غَالِبًا، كَالسَّيْفِ، وَالسَّكِّينِ، وَاللَّتِّ، وَالْحَجَرِ الثَّقِيلِ (ابن ادریس حلی، ۱۴۳۰، ۳۲۱) و نیز برخی مصادیق وسیله قتل غیرکشنده را اینگونه بیان کرده است: بِالْهَيْبَةِ لَا تَقْتُلُ غَالِبًا، كَالسَّوْطِ، وَالْعَصِيَّ الْخَفِيفَةَ (ابن ادریس حلی، ۱۴۳۰، ۳۲۲) با این توصیف با تدقیق در آثار فقهی می‌توان این نتیجه را گرفت که وجود عناصر فوق برای تحقق قتل عمد و یا فقدان یکی از عناصر یا همه آنها برای تحقق قتل شبه عمد و خطای محض الزامی است با این توضیح که عنصر قصد اعم از فعل یا نتیجه نقشی اساسی را در تحقق هر کدام از انواع قتل ایفاء می‌کند و عنصر وسیله قتل در کنار این عنصر معنا پیدا می‌کند اما در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ این عناصر ظاهراً یا فقه متفاوت ولی باطناً یکی می‌باشد که به شرح آن می‌پردازیم.

۱-۱) رکن قانونی و رکن شرعی

برای تشکیل هر جرمی از دیدگاه قانون مجازات اسلامی وجود رکن قانونی لازم است به عبارتی دیگر اگر برای عمل فرد عنوان مجرمانه و بالتبع آن مجازات تعیین نشده باشد آن عمل هر قدر خطرناک هم که باشد قابل مجازات نمی‌باشد که این رکن قانونی در انواع عمد و شبه عمد و خطای محض به ترتیب در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی بیان شده است اما درخصوص رکن شرعی یا همان مستندات فقهی به ترتیب انواع قتل به شرح آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۱) قتل عمد

در اینکه گرفتن حق حیات از انسان عملی مذموم و نکوهیده می‌باشد شکی وجود ندارد و آیات متعدد قرآن کریم به این موضوع اشاره می‌نمایند از جمله این آیات می‌توان به آیه ۳۳ سوره اسراء اشاره نمود که خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا مرحوم

علامه طباطبائی (ره) در تفسیر این آیه گفته است: قوله تعالى: وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ إِي حرم الله قتلها أو حرمة بالحرمة المشرعة لها التي تقيها وتحميها من الضيعة في دم أو حق، قيل: إنه تعالى أعاد ذكر القتل وإن كان داخلا في الفواحش تفخيما لشأنه وتعظيما لأمره، ونظيره الكلام في قتل الأولاد خشية الإملاق اختص بالذكر عناية به، وقد كانت العرب تفعل ذلك بزعمهم أن خشية الإملاق تبيح للوالد أن يقتل أولاده، ويصان به ماء وجهه من الابتدال، والأبوة عندهم من أسباب الملك وقد استثني الله تعالى من جهة قتل النفس المحترمة التي هي نفس المسلم والمعاهد قتلها بالحق وهو القتل بالقيود والحد الشرعي (طباطبائی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۵) که بر طبق آیهی مذکور از بین بردن حیات انسان عملی مذموم و از آن نهی شده است و همچنین در آیه ۱۷۸ سوره بقره موضوع قصاص و شرایط آن مطرح شده است یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبُ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِغَدٍّ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ بنابراین می توان این نتیجه را گرفت که رکن قانونی مندرج در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی منبعث از نص صریح آیات و روایات قرآن کریم می باشد که به عنوان نمونه به موارد فوق اشاره گردید.

۲-۱-۲) قتل شبه عمد

اگرچه که در قرآن کریم صراحتاً به این نوع قتل اشاره نشده است و همین امر باعث این شده است که عده ای از فقهاء عامه این قتل را به رسمیت نشناسند اما می توان با اندکی تسامح آیه ۹۲ سوره نساء را به این قتل تعمیم داد خداوند متعال در این آیه می فرماید وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا که مرحوم شیخ طوسی (ره) در شان نزول این آیه بیان می کند: وَتَقْدِيرُ الْآيَةِ: إِلَّا أَنْ يُقْتَلَ الْمُؤْمِنُ قَدْ يَقْتُلُ الْمُؤْمِنُ خَطَاً وَكَيْسَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَ اللَّهُ لَهُ قَوْمًا: الْأَسْبِيْنَاءُ مُتَّصِلٌ وَالْمَعْنَى: لَمْ يَكُنْ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَقْتُلَ مُتَعَمِّدًا مُؤْمِنًا وَمَتَى قَتَلَهُ مُتَعَمِّدًا لَمْ يَكُنْ مُؤْمِنًا فَانْ ذَلِكَ يُخْرِجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ، ثُمَّ قَالَ: "إِلَّا خَطَاً" وَمَعْنَاهُ إِنْ قَتَلَهُ لَهُ خَطَاً لَا يَخْرُجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ ثُمَّ أَخْبَرَ تَعَالَى بِحُكْمِ مَنْ قَتَلَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مُؤْمِنًا خَطَاً، فَقَالَ: "وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ" وَمَعْنَاهُ فَعَلَيْهِ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ غَنِي مَطْهَرَةٌ لِلإِيمَانِ وَظَاهِرٌ ذَلِكَ يَقْتَضِي أَنْ تَكُونَ بِالْعَةِ لِيَحْكُمَ لَهَا بِالإِيمَانِ وَذَلِكَ فِي مَالِهِ خَاصَّةً (طوسی، بی تا، ص ۲۹۰) با توجه به آیه و تفسیر مرحوم شیخ طوسی (ره) و شان نزولی که در ذیل این آیه مطرح شده است می توان این نتیجه را گرفت که قتل با تصور اینکه مقتول مهدورالدم بوده است صورت گرفته است پس قتل واقع شده، شبه عمد می باشد اما زیربنای شناسایی این نوع قتل نزد فقهاء شیعه روایاتی است که نقل شده است از جمله این روایات، روایتی است که پیامبر (ص) در حجه الوداع فرموده اند: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةِ الْوَدَاعِ: وَالْعَمْدُ قَوْدٌ، وَشِبْهُ الْعَمْدِ مَا قَتَلَ بِالْعَصَا وَالْحَجَرِ، وَفِيهِ مَائَةٌ بَعِيرٍ، فَمِنْ زَادَ فَهُوَ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ (حر عاملی، ۱۴۰۴، ص ۴۰) و یا در روایتی دیگر از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است: صَحِيحُهُ إِبْنُ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْخُطْبَةِ شِبْهُ الْعَمْدِ: إِنْ يَقْتُلُ بِالسَّوْطِ، أَوْ بِالْعَصَا، أَوْ بِالْحَجَرِ (اسدی حلی، ۱۴۰۷، ص ۲۴۲) در این روایت، قتلی را شبه عمدی محسوب کرده اند که با آلات غیرکشنده اتفاق افتاده باشد و به ندرت ممکن است موجب مرگ بشوند با این توصیف می توان این نتیجه را گرفت که همانگونه که ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی رکن قانونی قتل شبه عمد تلقی می شود مجموع آیات و روایات وارده در اینخصوص نیز منبع شرعی ماده مذکور می باشد.

۳-۱-۳) قتل خطای محض

درخصوص این نوع قتل اگرچه که عده ای از فقهاء معتقدند آیه ۹۲ سوره نساء درخصوص این قتل می باشد و در این مورد اختلاف نظر وجود دارد ولی می توان علاوه بر آیه مذکور به آیه ۲۸۶ سوره بقره نیز اشاره نمود که در این آیه فراموشی و خطا

را عامل عدم مواخذه الهی معرفی می‌شود لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهِمَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَ یا در آیه ۵ سوره احزاب فرموده است: ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً که مرحوم علامه طباطبائی در ذیل آیه‌ی مذکور بیان کرده است: وَقَوْلُهُ: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ أَيْ لَا ذَنْبَ لَكُمْ فِي الَّذِي أَخْطَأْتُمْ بِهِ لِسَهْوٍ أَوْ نِسْيَانٍ فَدَعَوْتَهُمْ لِغَيْرِ آبَائِهِمْ وَ لَكِنَّ الَّذِي تَعَمَّدَتْهُ قُلُوبُكُمْ ذَنْبٌ أَوْ وَ لَكِنَّ تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ بِذَلِكَ فِيهِ الذَّنْبُ (طباطبائی، ۱۳۹۳، ۲۷۶) که با توجه به آیه‌ی مذکور با وجود سهو و نسیان گناهی متوجه مرتکب نمی‌باشد. اما از احادیثی که در اینخصوص به آن استدلال شده است حدیث رفع می‌باشد که در این حدیث پیامبر عظیم الشان اسلام فرموده اند: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَبْلُغَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الْمَجْجُونِ حَتَّى يَفِيْقُ (حسنی طباطبائی، ۱۲۹۶، ص ۳۱۸) که براساس حدیث مذکور از سه گروه مجنون تا زمانی که عاقل شود و صبی تا زمان بلوغ و خوابیده تا زمان بیداری رفع مواخذه می‌شود. با توجه به آیات و روایات وارده در اینخصوص می‌توان این نتیجه را گرفت که رکن قانونی این قتل در ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی منبعث از منبع و یا همان رکن شرعی قتل خطای محض می‌باشد.

۲- پ) رکن مادی

از دیگر عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم قتل رکن مادی آن می‌باشد که در تعریف آن می‌توان گفت رکن مادی بروز خارجی فعل و انفعالات ذهنی فرد است که به صورت فعل یا ترک فعل یا فعل ناشی از ترک فعل ظهور پیدا می‌کند ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در اینخصوص گفته: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود بنابراین برای اینکه شخصی را بتوان مسئول و مجرم شناخت او باید رفتاری را انجام دهد که آن رفتار در قانون دارای مجازات باشد که برای تحقق رکن مادی در قتل وجود سه عنصر لازم و ضروری می‌باشد. اولین عنصر در تحقق رکن مادی در قتل موضوع جرم می‌باشد یعنی برای اینکه بتوان درخصوص قتل ارتكابی فردی را مجرم شناخت باید موضوع جرم قتل انسان زنده ای باشد که مورد حمایت قانون بوده است و منظور از حمایت قانون یعنی اینکه آن فرد مقتول شرعاً یا قانوناً مستحق کشته شدن نبوده است؛ شهید اول (ره) در اینخصوص بیان می‌کند: فَمَنْ أَبَاحَ الشَّرْعُ قَتْلَهُ لَمْ يَقْتُلْ بِهِ (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ۲۷۰) و مرحوم طباطبائی حائری (ره) گفته است: ان يَكُونَ الْمَقْتُولُ مَحْقُوقَ الدَّمِ شَرْعاً أَيْ غَيْرِ مَبَاحِ الْقَتْلِ شَرْعاً، فَمَنْ أَبَاحَ الشَّرْعُ قَتْلَهُ لَزْنَا أَوْ لَوَاطٍ أَوْ كَفَرٌ لَمْ يَقْتُلْ بِهِ قَاتِلُهُ وَإِنْ كَانَ بَعْدَ إِذْنِ الْأِمَامِ، لِأَنَّهُ مَبَاحُ الدَّمِ فِي الْجُمْلَةِ (طباطبائی حائری، ۱۴۰۴، ص ۱۰۴) و در این مورد ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی نیز بیان کرده است: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود: الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است. ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است. پ- مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود. ت- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود. ث- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است. تبصره ۱- اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. تبصره ۲- در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود. دومین عنصر در تحقق رکن مادی جرم قتل، مرتکب می‌باشد که باید علاوه بر زنده بودن انسانی بالغ و عاقل باشد. بنابراین اگر قاتل فردی نابالغ یا مجنون باشد به قصاص محکوم

نمی‌شود و عاقله‌ی آن فرد مسئول می‌باشد که مواد ۱۴۶ و ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به این موضوع اشاره می‌کند و این دیدگاه قانونی با آثار و آراء فقها نیز مطابقت دارد مرحوم شهید اول(ره) بیان می‌دارد: فَلَاقْتُلِ الْمَجْنُونِ بِعَاقِلٍ وَلَا مَجْنُونٍ وَالِدِيهِ عَلِيٌّ عَاقِلَةٌ (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ۲۷۰) که براساس این نظر دیوانه بواسطه‌ی کشتن شخص عاقل و یا فرد دیوانه‌ی دیگر قصاص نمی‌شود و دیه‌ی مقتول بر عهده عاقله می‌باشد و نیز بیان داشته است وَلَا يَقْتُلِ الصَّبِيَّ بِبَالِغٍ بَلْ تَثَبَّتْ الدِّيَةُ عَلِيَّ عَاقِلَتِهِ وَيَقْتُلُ الْبَالِغَ بِالصَّبِيِّ (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ۲۷۰) اما سومین عنصر که در تحقق رکن مادی جرم قتل تاثیر دارد وسیله‌ی در قتل می‌باشد که در نظرات فقهی مورد توجه قرار گرفته است و آنچه در این مورد اهمیت دارد نتیجه‌ی ای است که از این وسیله حاصل می‌شود بنابراین اگر آلت قتل نوعاً کشنده نباشد ولی با همین وسیله فردی که وضعیت خاص جسمانی دارد مورد جنایت قرار بگیرد و در اثر ضربه‌ی این وسیله به قتل برسد مرتکب مجازات می‌شود مرحوم شهید اول(ره) در اینخصوص گفته است: مَا لَوْ كَرَّرَ ضَرْبَهُ بِمَا لَا يُحْتَمَلُ مِثْلَهُ بِالنَّسْبَةِ إِلَى بَدَنِهِ وَزَمَانِهِ فَهُوَ عَمْدٌ، وَكَذَا لَوْ ضَرْبَهُ دُونَ ذَلِكَ فَأَعْقَبَهُ مَرَضًا وَمَاتَ (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷)

۳- عنصر روانی

یکی دیگر از عناصر تشکیل دهنده در هر جرمی که باعث تمیز بین جرائم از حیث عمد و یا غیرعمد آن می‌شود عنصر روانی می‌باشد که در فقه و آثار فقهاء از آن به عنوان قصد یاد می‌شود مرحوم ابن ادریس حلی(ره) در این مورد گفته است: عَمْدٌ مَحْضٌ، وَهُوَ أَنْ يَكُونَ عَامِدًا إِلَى قَتْلِهِ بِأَلَيْهِ تَقْتُلُ غَالِبًا، كَالسَّيْفِ، وَالسَّكِّينِ، وَاللَّتِّ، وَالْحَجَرِ الثَّقِيلِ، عَامِدًا فِي قَصْدِهِ، وَهُوَ أَنْ يَقْصِدَ قَتْلَهُ بِذَلِكَ، فَمَتَى كَانَ عَامِدًا فِي قَصْدِهِ، عَامِدًا فِي فِعْلِهِ، فَهُوَ الْعَمْدُ الْمَحْضُ (ابن ادریس، ۱۴۳۰، ص ۳۲۱) که به نظر وی وجود قصد فعل و قصد نتیجه در تحقق قتل عمد الزامی می‌باشد و شهید اول(ره) نیز گفته است: وَإِذَا لَمْ يَقْصِدِ الْقَتْلَ بِالنَّادِرِ فَلَا قَوْدَ وَإِنْ اتَّفَقَ الْمَوْتُ كَالضَّرْبِ بِالْعُودِ الْخَفِيفِ أَوْ الْعَصَا (جزینی عاملی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷) بنابراین وجود عنصر روانی عامل اصلی و لازم برای تشخیص نوع قتل می‌تواند باشد.

نتیجه گیری

تقسیم بندی قتل به عمد، شبه عمد، خطای محض و یا عناصر لازم برای تحقق و تمیز قتل از یکدیگر در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه کاملاً یکسان و مشابه می‌باشد و در برخی موارد عیناً نظر فقهاء به صورت قانون درآمده است، تا جایی که به عنوان مثال در فقه امامیه این مسئله پذیرفته شده است که همانطور که افعال مادی موجب ایجاد جنایت می‌شود افعال غیرمادی نیز مانند ترساندن نیز می‌تواند باعث تحقق جنایت شود، ولی درخصوص سحر و جادو بین فقهاء اختلاف نظر می‌باشد و شاید بتوان گفت اختلاف قانون با فقه می‌تواند صرفاً در احراز رابطه سببیت باشد و نیز در تعریف وسیله‌ی قتل در فقه ضابطه‌ی ای مشخص بیان نشده است، بلکه برای تشخیص آن به استعمال عرفی آلت توجه شده است. با این توضیحات در یک جمع بندی کلی می‌توان بیان کرد که در بحث مورد پژوهش مطابقت زیادی بیان قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه وجود دارد.

منابع

قرآن کریم

ابن ادریس، محمد بن احمد؛ ۱۴۰۴، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم. ایران
اسدی حلی، احمد بن محمد بن فهد، معروف به ابن فهد، ۱۴۰۷، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

- جزینی عاملی، شمس‌الدین محمد بن مکی بن احمد معروف به شهید اول؛ ۱۳۸۳، *آلَمَعَه الدِّمَشْقِیَهِ فِی فَهِّهِ الامامیهِ*، تهران ، انتشارات طه
- حُرَّ عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین؛ ۱۴۱۴، *تَفْصِیلُ وَسَائِلِ الشَّیْعَةِ إِلَى تَحْصِیلِ مَسَائِلِ الشَّرِیْعَةِ* معروف به وسائل الشیعه، قم، ایران، انتشارات ال البيت
- حسین بن محمد بن مفضل، ابوالقاسم، معروف به راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت- لبنان، دارالشامیه
- حسنى طباطبائی، سید محمد مجاهد بن سیدعلی صاحب الرياض بن محمدعلی بن ابی المعالی الصغیر، ۱۲۹۶، *مفاتیح الاصول*، قم، ایران، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث
- سیوری حلّی، مقداد بن عبدالله، ۱۴۲۲، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، ایران، انتشارات مکتب نوید اسلام
- طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمدعلی بن ابی المعالی، ۱۴۰۴، *ریاض المسائل فی بیان احکام بالدلائل*، قم، ایران، موسسه آل البيت.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۳، *تفسیر المیزان*، بیروت- لبنان، انتشارات موسسه الاعلمی مطبوعات طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، معروف به شیخ طوسی، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، لبنان
- علی بن مطهر حلّی، حسن بن یوسف، معروف به علامه حلّی، ۱۴۲۰، *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*، قم- ایران، موسسه امام صادق.
- عاملی جُبَیعی، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد، معروف به شهید ثانی، ۱۴۲۵، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، ایران، انتشارات بنیاد معارف اسلامی،
- محقق حلّی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر بن حسن؛ ۱۴۰۸، *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، مصحح: عبد الحسين محمد علی بقال، قم، ایران، انتشارات اسماعیلیان،
- مومنی، هادی، ۱۳۹۴، *قتل شبه عمد از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی*، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز، خردادماه ۱۳۹۴.
- نجفی، محمد حسن؛ ۱۴۲۵، *جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام*، قم، ایران، موسسه معارف اسلامی